



■ از کارکردهای مهم جنبش دانش‌جویی ایفای نقش واسط بین مردم و مسئولان است. بدین معنا که جنبش دانش‌جویی از یک‌سو مطالبه‌کننده‌ی حقوق مردم از مسئولان است و از سوی دیگر به عنوان پیشانی جامعه نقش گفت‌مان‌سازی در جامعه و هدایت افکار عمومی را نیز ایفا می‌نماید.

بر فرض پذیرش دوم خرداد ۷۶ و سوم تیر ۸۴ به عنوان نقاط عطف ایفای نقش جنبش دانش‌جویی در سرنوشت کشور؛ مسأله‌ی فعلی این است که چرا جنبش دانش‌جویی اینک آن‌گونه که شایسته‌ی شأن او و انتظار جامعه است در سرنوشت کشور اثرگذار نیست؟ و قابلیت اثرگذاری مجموعه‌ی تشکل‌های دانش‌جویی در سال‌های اخیر با گذشت زمان رو به کاهش است؟

البته از آن‌جا که فعالیت تشکل‌های دانش‌جویی در بطن جامعه و دانش‌گاه انجام می‌پذیرد؛ باید پذیرفت که هرگونه ضعف و قوتی در آن نیز متأثر از تحولات اجتماعی است. لیکن علی‌رغم این مسأله، پارامترهای زیر اعم از این‌که منشأ اجتماعی و یا دانش‌گاهی و تشکیلاتی داشته باشند، از مهم‌ترین عوامل در کاهش اثرگذاری جنبش دانش‌جویی اند:

۱ کاهش عمق فکری فعالان دانش‌جویی و به تبع آن فعالیت‌ها متأثر از تغییرات اجتماعی کشور به‌ویژه افزایش بی‌تفاوتی در نسل جدید نسبت به نسل‌های گذشته، نگرش منفی نسبت به فعالیت سیاسی، تغییر نگرش نسل جدید به آینده، دغدغه‌های متفاوت نسل جدید، تشدید پدیده‌ی کنکور و...، ورودی‌های جدید دانش‌گاه‌ها از منش فکری متفاوت و سطح مطالعاتی پایین‌تری نسبت به گذشته‌گان برخوردارند. به تبع این مسأله،

# چرا جنبش دانش‌جویی

نسل‌های جدید فعالین دانش‌جویی که برآمده از هم‌این جمعیت‌اند نیز با این ضعف مواجه‌اند. از سوی دیگر موضوع اول تشکل‌ها در دانش‌گاه‌ها فعالیت و ارایه‌ی خروجی است و نه انسان (دانش‌جو). تأکید بر خروجی محوری و القای انتظارات فراوان از تشکل‌ها نوعی عمل زده‌گی را در آن‌ها به همراه آورده است. بر این اساس متأسفانه در بسیاری از تشکل‌ها برنامه‌ی مدون و تعریف‌شده‌ای برای رشد معرفتی و بصیرتی دانش‌جویی و سازگاری با فعالیت‌های دوران دانش‌جویی وجود ندارد. البته اتحادیه‌های دانش‌جویی دوره‌های آموزشی متعددی را برگزار می‌کنند که این نوشتار محل آسیب‌شناسی آن‌ها نیست. اما به صورت اجمال باید گفت رشد معرفتی و بصیرتی فرآیندی مستمر و در دل فعالیت است و نه مقطعی و در این فرآیند، هم نیازسازی معنا دارد و هم نیازیابی... که در فرآیندهای آموزشی رایج کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد.

**۲ کاهش ارتباط تشکل‌ها با بدنه‌ی دانش‌جویی و در نتیجه کاهش جذب**

پدیده‌ی دیگر در تشکل‌های دانش‌جویی کاهش ارتباط میان اعضای تشکل‌ها با بدنه‌ی دانش‌جویی و در نتیجه کاهش کمی اعضای تشکل‌ها است. جدای از بی‌رغبتی دانش‌جویان که در بخش قبل مختصراً بررسی شد، احساس بی‌نیازی نسبت به بدنه‌ی دانش‌جویی در تشکل‌ها، بیگانه‌گی با فضای ذهنی عمومی دانش‌جویان و ناتوانی در برقراری ارتباط با

عموم دانش‌جویان، ناتوانی در استفاده از پتانسیل بالای دانش‌جویی، نداشتن پیام جدی برای دانش‌جویان و... برخی از علل این مسأله است.

### **۳ فاصله‌گرفتن از مردم**

متناسب با رسالت‌های تشکل‌های دانش‌جویی؛ ارتباط با بدنه‌ی مردم به عنوان یکی از مهم‌ترین ملزومات فعالیت‌های آن‌ها شناخته می‌شود. یکی از مهم‌ترین علل پیروزی گفت‌مان عدالت در سال‌های گذشته نیز پیوند آن با مطالبات به حق مردم بوده است. امروز در اثر خلأ مجرای ارتباطی و یا عدم استفاده‌ی به‌هینه از مجاری موجود، متأسفانه مطالبات مجموعه‌های دانش‌جویی کشور فاصله‌ی زیادی با دغدغه‌ها و مشکلات مردم دارد و از این رو پشتوانه‌ی مردمی جریان‌ات دانش‌جویی کم، و امکان اثرگذاری آن‌ها نیز ناچیز است. به عنوان مثال هیچ‌یک از تشکل‌های دانش‌جویی – به‌ویژه در طیف موسوم به اصول‌گرا – مطالبه و یا برنامه‌ی مستمری در باره‌ی مشکل مسکن، تورم و... انجام ندادند که این در نوع خود آسیب بزرگی است.

**۴ ارتباط گسترده و آسیب‌زای تشکل‌ها با مسئولان و جریانات سیاسی**

عدم توجه به چارچوب‌های کار دانش‌جویی در کمیت و کیفیت این ارتباطات آسیب‌های زیر را به همراه دارد:

- آشناسدن فعالان دانش‌جویی به ملاحظات مسئولان که به تدریج مجموعه‌های دانش‌جویی را به سمت محافظه‌کاری سوق می‌دهد. البته در این میان آشنایی با

مقدورات مسئولان برای انصاف در قضاوت‌ها و مطالبه‌ها امری پذیرفتنی است. اما خط‌مرز این آشنایی حفظ آرمان‌گرایی دانش‌جویی و روحیه‌ی نقادی و مطالبه است.

- با تشدید این رابطه و امکان اثرگذاری بر تصمیمات مسئولان از طریق رابطه‌ی اعضای اصلی تشکل با آن‌ها، جریانات سیاسی و سایر اجزای تأثیرگذار، تمایل به اثرگذاری از طریق جذب و همراه‌کردن افکار عمومی دانش‌جویی (و مردمی) کم می‌شود. به عبارت دیگر مخاطب تشکل‌های دانش‌جویی، به جای مردم، مسئولین می‌شوند و به تدریج تشکل‌ها از منتقدین مسئولان به مشاورین آن‌ها تبدیل خواهند شد. این آسیب برای تشکل‌های هم‌فکر با بدنه‌ی حاکمیت و به‌ویژه دولت به مراتب تشدید می‌شود.

- ارتباط با جریانات سیاسی بدون یک عمق فکری منجر به هضم در خط‌کشی‌های سیاسی می‌شود و خط‌کشی‌های سیاسی جای‌گزین مبانی اعتقادی و فکری می‌شوند. در نتیجه با نیروهایی مواجه خواهیم بود که به‌واسطه‌ی جریان‌شناسی سیاسی و اطلاعات به‌روز سیاسی به جای‌گاه‌هایی می‌رسند که متناسب با سطح فکری و توانایی‌های آن‌ها نیست.

امروز مجموعه آسیب‌های فوق در تشکل‌های دانش‌جویی مشاهده می‌شود و ضرورت دارد تا با توجه ویژه‌ی تشکل‌های دانش‌جویی و بازخوانی اصول فعالیت‌های دانش‌جویی در حوزه‌های مذکور برای رفع این آسیب‌ها گام برداشته شود. ■

# ویپی افول کرده است؟